



پنج شنبه 3 فروردین 29 ربیع الثانی 22 مارس

درگذشت «ابن مقسم» محدث و نحوی بغدادی در سال 354 هجری قمری...

درگذشت « ابن مقسم» محدث و نحوی بغدادی در سال 354 هجری قمری

« ابن مقسم» محدث و نحوی بغدادی در سال 354 هجری قمری در گذشت. او در بغداد به دنیا آمد و از علمای بزرگ این شهر چون عباس بن فضل رازی و ثعلب قرائت و ادب را آموخت. خطیب بغدادی او را یکی از آگاه ترین مردم به مکتب نحو کوفی و داناترین ایشان به قرائت معرفی کرده است. ذهبی نیز در سیر او را شیخ القراء خوانده است. گفته های این بزرگان و علماء ابن مقسم و تألیفات وی را منابعی موثق برای آیندگان بشمار آورده اند. وی آثاری در نحو دارد اما بیش از همه به علوم قرآنی پرداخته است. او معتقد بود قرآن و نماز باید با دقت بسیار قرائت شود. « کتب الانوار فی تفسیر القرآن؛ احتجاج القرائات؛ والمدخل الی علم الشعر» از آثار ابن محدث و نحوی بغدادی بشمار می روند.

درگذشت « محمد بن عبدالله بن بهلول» از مشاهیر محدثان امامیه در سال 387 هجری قمری

« محمد بن عبدالله بن بهلول» از مشاهیر محدثان امامیه در سال 387 هجری قمری دیده از جهان فرو بست. کنیه او که از اهالی کوفه بود ابولفضل و شهرتش شیبانی بود. وی برای استماع حدیث سفرهای بسیار نمود و همواره سعی می کرد تا در نقل حدیث از لغزش و اشتباه مبرا باشد. اما سرانجام مختلط الحدیث شد به همین سبب اکثر علمای رجال مورد ظن قرار گرفت و روایات او با تردید بیان می شد. در تاریخ بغداد نیز نقل شده است که محمد بن عبدالله به بغداد رفت و از محمد بن جریر طبری و گروهی از اهلی مصر و شام روایت کرد از این رو « کثیر التخلیط» نام گرفت.

تأسیس حوزه علمیه قم به توسط مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

حوزه علمیه قم که تأسیس آن به صورت امروزی، به دست توانای عالم ربانی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی صورت گرفت. ایشان همه سازندگان فکر و مکتب آن روز عالم تشیع را پیرامون شمع وجود خویش گرد آوردند و شهر قم را مرکز اندیشه های اسلامی در سراسر ایران نمودند. در دهه های اخیر این نهاد به صورت سرنوشت سازترین و نیرومندترین نهادفکری و علمی کشور ایران و جهان اسلام تجلی کرده است. و در واقع حوزه علمیه قم از زمان مهاجرت حضرت آیت الله حائری جان تازه ای گرفت و دوران حیات پرشکوه خود را آغاز کرد.

زندگی نامه آیت الله حائری یزدی :

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، فرزند محمد جعفر در سال 1276 هق در قریه مهرجرد واقع در ده فرسخی شهر یزد تولد یافت.

او در شش سالگی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت.

در همان زمان در سفری که شوهر خاله ایشان (مرحوم میر ابو جعفر) که ساکن اردکان بود به مهرجرد کرد، دریافت که عبدالکریم از استعداد فوق العاده ای برخوردار است، بنابراین برای اینکه استعداد وی در ده ضایع نشود ایشان را با خود به اردکان برد .

دوره تحصیل آیت الله حائری با فراگیری ادبیات در اردکان آغاز شد و سپس در یزد ادامه یافت. پس از پایان دوره ادبیات راهی عراق شد و به کربلا رفت.

از اساتید ایشان در اردکان آقای مجد العلمای اردکانی و در یزد آقایان حاج میرزا سید حسین وامق و سید یحیی مجتهد بوده اند .

ادامه تحصیل وی در کربلا در زمان آقای فاضل اردکانی بود، وی در آنجا لمعه و قوانین را به اتمام رسانید و سپس به توصیه آقای فاضل اردکانی به سامرا رفت.

در سامرا فقه و اصول و دیگر علوم را فرا گرفت. از اساتید ایشان در سامرا آقایان: میرزای بزرگ شیرازی، مرحوم آقا شیخ فضل الله نوری و آقای سید محمد فشارکی اصفهانی بوده اند. پس از درگذشت مرحوم میرزای و پس از مهاجرت آیت الله فشارکی به نجف، آیت الله حائری نیز به نجف مهاجرت کرد و در آنجا همواره ملازم استاد خود سید محمد فشارکی بود و از محضر ایشان استفاده برد.

آیت الله حائری همچنین در جلسات درس آیت الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی نیز شرکت می کرد و از محضر ایشان بهره مند می شد. ایشان پس از حدود 37 سال اقامت در کربلا، سامره و نجف به دعوت یکی از فرزندان حاج آقا محسن اراکی در سال 1332 به اراک آمد و در آنجا نزدیک هشت سال به تربیت طلاب و تشکیل حوزه مشغول شد.

پس از دوران به سال 1340 قمری مطابق با سوم فروردین 1301 شمسی، آن بزرگوار به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام به سوی قم حرکت کرد و در همین سفر بود که مرحله تازه ای در زندگی آن بزرگمرد و نیز، فصل جدیدی در تاریخ پرشکوه قم و حوزه علمیه قم آن، آغاز شد.

والایی شاعن و تعالی مقام روحانی آیت الله حائری، در آن زمان چنان بود که پیش از رسیدن وی به قم، خبر حرکتش، با شور و شوق دهان به دهان گردید و سریعتر از خود آن مرحوم، به شهر قم و اهالی آن رسید.

از این رو، با تشویق و ترغیب گروهی از علما و فضلاء قم، که با شاعن و مقام علمی و روحانی او آشنا بودند، و شوق دیدار و آرزوی معاشرت و مصاحبت و استفاده از محضر وی را داشتند، مردم قم، گروه گروه به استقبال ایشان شتافتند.

در آن استقبال پرشکوه علاوه بر اکثر علمای قم، مرحوم بافقی که خود از پاکمردان راه خدا و راهسپار طریق و دانش بود، حضور داشت و هم او بود که بیش از همه اشتیاق نشان می داد و مردم را تشویق و ترغیب می کرد که دست از دامن آیت الله بردارند و خواستار اقامت دائمی اش در قم شوند.

گروه استقبال کنندگان، تا امامزاده جمال، در 4 کیلومتری شهر قم به اراک، پیش رفتند و پس از رسیدن آیت الله و همراهانش به گرمی از او استقبال کردند و در همانجا، ساعتی به توقف و استراحتش فرا خواندند و در همان یک ساعت توقف و استراحت سخن دل را بر زبان راندند و زمزمه تمنای اقامت دائمی وی را در آن شهر و تشکیل حوزه علمیه ای برای طالبان دین و دانش را آغاز کردند.

آنگاه آیت الله حائری با تجلیل و تکریم فراوان، در میان گروه مستقبلین، که همچون نگین انگشتی در میانش گرفته بودند به سوی قم حرکت کرد و در منزل مرحوم آیت الله شیخ مهدی پایین شهری اقامت گزید.

در نوزد آن سال، که مقارن با اواخر ماه رجب المبارک سال 1340 قمری بود، نه تنها بسیاری از مردم شهرهای مختلف ایران، بلکه گروهی از علما و فضلا و مردان دین و دانش و تقوی نیز برای گذراندن تحویل سال تا در جوار مرقد حضرت معصومه علیها السلام در قم گرد آمده بودند. این گروه همراه با اهالی قم و فضلاء و علمای دینی این شهر مقدس، به حضور آیت الله شتافتند و به اصرار و الحاح تقاضای خود را، مبنی بر اقامت دائمی در قم و تشکیل و تاسیس حوزه علمیه در آن شهر، با وی در میان نهادند. در کوتاه مدتی، این موضوع، نقل محافل دینی و مجالس مذهبی شد و حتی وعاظ و گویندگان، بر سر منبرها، مردم را بیش از پیش تشویق و ترغیب می کردند که به زیارت حضرت آیت الله بشتابند، دست از دامنش برندارند تا از وی قول قبول تقاضای خود را بستانند.

در کتاب شرح حال و بیوگرافی آمده است که در این مورد، بیش از همه مرحوم حاج شیخ محمد تقی بافقی اصرار و پافشاری داشت، زیرا که وی، از نجف اشرف، با آیت الله سابقه معرفت و آشنایی داشت، زیرا که وی، از نجف اشرف، با آیت الله سابقه معرفت و آشنایی داشت و به مراتب علم و فضیلت و تقوی و اجتهاد وی کاملاً آگاه بود و دریغ می دانست که این منبع فیض و منشاء دانش و تقوی، مکتب درس و محضر علم آموزی خود را، در جوار مرقد و منشاء دانش و تقوی، مکتب درس و محضر علم آموزی خود را، در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام برپای ندارد و شیفتگان علم را از سرچشمه فضل و دانش و اخلاق و فضایل خود سیراب نسازد. سرانجام علاقه وافری که روحانیت قم و مردم شهر و مسافران نوزدی آن سال نسبت به اقامت دائمی حضرت آیت الله حائری ابراز می داشتند ایشان را به حال تردید درآورد تا اینکه فرمودند، استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلا و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت دارند بنویسیم به قم بیایند؟

مرحوم آیت الله با اینکه کمتر به قرآن مجید تفاعل می زدند و استخاره می نمودند صبحگاهی که به حرم مطهر مشرف شده بودند استخاره کردند. آیه 93 سوره مبارکه یوسف آمده.

أذهبوا بقیمصی هذا فالقوه علی وجه ابی یاءت بصیرا و اءتونی باهلکم اجمعین و اول جمله ای که در اول صفحه قرآن بود ذیل آیه و

ءتونى باهلكم اجمعين بود .

پس با عزمى راسخ و قلبى مطمئن بنا را بر توقف گذاردند .

بدین گونه بود که حضرت آیت الله حائرى یزدى در اوج تعالى اندیشه هاى اسلامى و انسانى خویش شهر قم را اقامتگاه خود ساختند و حوزه علمیه قم را جان دیگر و حیاتی دیگر بخشیدند .

زهد و ساده زیستى آیت الله حائرى :

آیت الله در زندگى خود خیلى قناعت داشت. در خانه او که مرجع تقلید و رییس حوزه علمیه بود مصرف مواد غذایى بسیار محدود بود. خانواده آیت الله برای تهیه ناهار، تنها يك چارك گوشت مصرف مى کردند . آیت الله حائرى شخصا تنها يك نوبت صبح و يك نوبت اول شب صرف مى کرد .

هنگامى که در مدرسه فیضیه روضه بود بعد از روضه چهار عدد تخم مرغ آب پز را با يك عدد نان به ایوان مى آوردند. از آن چهار عدد تخم مرغ یکى را به پسرش آقا مهدى و یکى را به بچه خادمش مى داد و دو تخم مرغ باقیمانده را به عنوان شام، صرف مى نمود. ایشان هیچ گاه لباس از پارچه خارجى نمى پوشید. در تابستان پیراهن، شلوار و قبای ایشان همه از کرباس بود. در زمستان نیز لباسش را از پارچه ایران به نام برك تهیه مى کرد و پارچه هاى لباسهاى آقازاده هاى ایشان حاج آقا مرتضى و آقا مهدى از پارچه هاى کازرونى اصفهان بود. آیت الله حائرى همواره مى گفتند که ایرانی باید پارچه ایرانی بپوشد .

تمام فرشهاى منزل ایشان از گلیمهاى بافت خراسان بود. فقط يك قالیچه كوچك وجود داشت که آقا زیر خود مى انداختند و روی آن مى نشستند .

حاج شیخ عبد الکریم هیچ عنایتى به آقایی و ریاست نداشت. تمام توجهش به خدا بود. حضرت امام قدس ره، که از شاگردان نامدار آیت الله حائرى و از نزدیک شاهد زندگى آن مرحوم بوده اند در ضمن سخنرانى معروف فیضیه شان در سال 1342 در مقام رد تهمت که از طرف دربار به روحانیت زده مى شد چنین فرمودند :

آنهایی که هزار میلیونشان يك قلم است، مفت خور نیستند؟ اما مایی که مرحوم حاج شیخ عبد الکریم مان وقتى که فوت شدند آقازاده هاى آن مرحوم همان شب شام نداشتند ما مفت خوریم ؟
آثار عمرانى و خدماتى آیت الله حائرى

بغیر از تاءسیس رسمى حوزه قم که به خواست پروردگار توانا تا ظهور وجود شریف حضرت ولی عصر (عج) باقى و پایدار خواهد بود، برجسته ترین اقدامات حضرت آیت الله العظمى حائرى یزدى که در کتب و رسایل گوناگون آمده است به شرح زیر مى باشد :

1- تاءسیس اولین بیمارستان در قم، در محل مسجد اعظم فعلی که در عین حال دارالاطعام و دارالمساکین نیز بوده است و سید الاطباء کهکى در آنجا طبابت مى کرده است.

2- تاءسیس بیمارستان سهامیه قم. به واسطه کسب کمک مالی از برخی افراد خیر از جمله سهام الدوله.

3- تاءسیس بیمارستان فاطمیه قم از طریق کمکهای برخی از رجال خیر .

4- تعمیر و بازسازی مدرسه دارالشفاء .

5- تعمیر مدرسه فیضیه و احداث دوم آن با کسب کمک از تجار و علمای تهران از جمله آیت الله سید ابوالحسن طالقانى پدر مرحوم آیت الله سید محمود طالقانى انجام گرفت.

6- تاءسیس کتابخانه مدرسه فیضیه.

7- ساختن غسلخانه برای قم.

8- احداث قبرستان بزرگ در بیرون شهر به نام قبرستان نو که اکنون با توسعه شهر، در وسط آن واقع شده است.

9- ایجاد دارالایتام در قم.

10- بنای سیل بند و سد رودخانه قم از طریق جمع آوری اعانه های مردمی.

11- حداث واحدهای مسکونی برای سیل زدگان قم در محله مبارك آباد قم.

آثار علمی آیت الله حائری :

1- کتاب الصلاة : فقه و استدلالی و اجتهادی در زمینه مباحث نماز .

2- درالفوائد: این کتاب در دو جلد چندین بار چاپ شده که درالاصول نیز نامیده می شود و در بردارنده خلاصه گویایی از دانش اصول فقه است.

3- تقریرات فشارکی : يك دوره گزارش درسهای استادش سید محمد فشارکی در علم اصول است.
4- النکاح : در فقه استدلالی که به چاپ نرسیده است.

5- کتاب الموارث : که به چاپ رسیده است.

6- مجمع الاحکام : به زبان فارسی و رساله علمیه آن مرحوم.

7- کتاب الرضاع : فقه استدلالی در باب احکام شیردادن بچه است.

تشکیل جامعه عرب به پیشنهاد ملک فاروق شاه مصر در سال 1945 میلادی

به پیشنهاد ملك فاروق شاه مصر وبا امضاي پیمان میان دولتهای اردن، سوریه، عراق، عربستان سعودی ، مصر و یمن، جامعه عرب در قاهره تشکیل شد. هدف از ایجاد این جامعه، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشورهای عضو و برقراری همکاری نزدیک سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان اعضا بود. درسال 1979 میلادی مصر به سبب شرکت درپیمان کمپ دیوید ازجامعه عرب خارج شد و مرکزاین اتحادیه به کشور تونس منتقل شد.

درگذشت کلود مونه نقاش مشهورو پدرسبک امپرسیونیسم در سال 1926 میلادی

کلود مونه نقاش مشهورو پدرسبک امپرسیونیسم درگذشت. مونه زندگی سختی داشت و همیشه برای بهترکردن هنرش فعالیت و کوشش می کرد. او درابتدای کارازشهرت چندانی برخوردارنبود اما با مجموعه نقاشی نیلوفراهای آبی شهرت جهانی دست یافت.